



چاپ دوم



دست‌نامه

ویرایش



بهرز صفرزاده

دست‌نامهٔ ویرایش

بهروز صفرزاده



کتاب سده



کتاب سده

دست‌نامه ویرایش

نویسنده: بهروز صفرزاده

چاپ دوم: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

آماده‌سازی: آتلیه دورادو (وابسته به کتاب سده)

طراح جلد: سعید باباوند

ناظر فنی چاپ: فرهاد جاوید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ طهرانی

رسم‌الخط این کتاب مطابق با دیدگاه مؤلف است.

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازهٔ مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

ISBN: 978-600-97170-4-0

کتاب سده

تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۶۲۱۴۳ - ۰۹۱۲۲۴۷۲۸۳۸

سرشناسه	صفرزاده، بهروز، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	دست‌نامه ویرایش / بهروز صفرزاده.
مشخصات نشر	تهران: کتاب سده، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۸۰ ص: ۱۴/۲۱×۵/۵ م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۷۱۷۰-۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۸۰.
موضوع	ویراستاری -- دستنامه‌ها
موضوع	Editing -- Handbooks, manuals, etc
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ۷۵۵ PN۱۶۲
رده بندی دیویی	۸۰۸/۰۲۷
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۰۰۹۳۵

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۹	جدولِ آوانگاری
۱۱	دست‌نامهٔ ویرایش
۱۳۱	پیوست: تحولاتِ آواییِ فارسیِ گفتاری درمقایسه با فارسیِ رسمی
۱۸۵	منابع

پیش‌گفتار

ویراستاران همواره با مسئله درست و غلط در زبان سروکار دارند و از همین رو نیازمند مرجعی راهنما در این زمینه‌اند. *دست‌نامه ویرایش* مرجعی کاربردی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای ویراستاران و عموم علاقه‌مندان زبان فارسی است؛ پرسش‌هایی چون: «پرهیزکار» درست است یا «پرهیزگار»؟ «چرخ فلک» درست است یا «چرخ و فلک»؟ «سانتریفیوژ» درست است یا «سانتریفوژ»؟ «سایه‌بان» بنویسیم یا «سایبان»؟ «هیئت» بنویسیم یا «هیأت»؟ «ذغال» باید نوشت یا «زغال»؟ «قانون‌گذار» باید نوشت یا «قانون‌گزار»؟

در زمینه مباحث نظری ویرایش، کتاب‌ها و مقاله‌های ارزشمند فراوانی به فارسی موجود است که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد؛ بنابراین کتاب حاضر جای طرح این‌گونه مباحث نیست.

در سال‌های اخیر آسان‌گیری و رواداری در مورد غلط‌های زبانی بیش‌تر شده و بسیاری از نادرست‌های دیروز اکنون درست به شمار می‌روند. نگارنده نیز در این فرهنگ روی‌کردی آسان‌گیرانه و روادارانه در پیش گرفته و تا جای ممکن از تجویزهای آمرانه پرهیز کرده‌است.

نگارنده در تألیف این کتاب بنا را بر ایجاز گذاشته تا خواننده در کوتاه‌ترین زمان پاسخ پرسش خود را بیابد. از همین رو توضیحات هیچ مدخلی از چند سطر تجاوز نمی‌کند. مدخل‌های این فرهنگ چند دسته‌اند: غلط‌های املائی؛ غلط‌های دستوری؛ تحریف‌های واژگانی؛ حشو؛ املاهای گوناگون؛ واژه‌های هم‌آوا؛ واژه‌های هم‌نگاشت.

وام‌واژه‌های عربی در فارسی

بعضی وام‌واژه‌های عربی در فارسی دچار تحوّل آوایی، املائی، یا معنایی شده‌اند. نگارنده تحولات آوایی این دسته از واژه‌ها را در کتاب *تحوّل آوایی واژه‌های عربی در فارسی* (۱۳۹۵) بررسی کرده و خوانندگان علاقه‌مند را به آن کتاب ارجاع می‌دهد. اما در فرهنگ حاضر بیش‌تر به تحوّل املائی و گاه آوایی این‌گونه واژه‌ها پرداخته و به‌ندرت درباره تحوّل معنایی آن‌ها بحث کرده‌است؛ مثلاً این‌که «ملافه» درست است یا «ملحفه»؛

«مسئله» باید نوشت یا «مسأله».

بعضی از وام‌واژه‌های عربی بحث‌انگیز، برخلاف تصوّر عموم ادیبان و پژوهش‌گران ایرانی، بر ساخته فارسی‌زبانان نیستند و در خود عربی هم به کار می‌روند؛ مانند ارباب، تمرکز، تمسخر، خجالت، خجلت، خجول، شراکت، متنفذ، مَلاک، مه‌هور، و نقاهت.

استناد به متون کهن فارسی

در بحث درست و غلط در زبان، متون کهن فارسی یکی از منابعی است که معمولاً به آن استناد می‌شود. بی‌گمان این استناد معتبر است، اما باید توجه داشت که سخن بزرگان ادب فارسی لزوماً وحی منزل نیست و در آن شواهدی از کاربردهای غیرطبیعی و نابه‌جا نیز به چشم می‌خورد. مثلاً سعدی در بیتی در باب سؤم گلستان، واژه «هر» را با فعل جمع به کار برده است:

شب هر توان‌گری به سربایی همی‌روند درویش هر کجا که شب آمد سرای اوست
یا حافظ در بیت زیر «هرچه که» آورده است:

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر زدم یک‌سره بر هرچه که هست
مولوی در بیت زیر «جز مگر» به کار برده است:

دادِ خود از کس نیابم جز مگر ز آن‌که او از من به من نزدیک‌تر
ناصر خسرو «بودش» (اسم مصدر) را به جای «باشش» به کار برده است:

سوی حکما قدر شما سخت بزرگ است زیرا که به حکمت سبب بودش مایید
صائب تبریزی «استعانت جستن» به کار برده است:

ز دل‌های ضعیفان استعانت جو چو درمانی که شیر برق چنگال از نیستان می‌شود پیدا

ثبت فارسی‌گفتاری

گفتاری نویسی به سرعت رو به گسترش است و آمیختگی فارسی رسمی و فارسی گفتاری هم یکی از پدیده‌های روزگار ماست. این مسئله به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مشهود است. با توجه به اهمیت روزافزون این موضوع، «تحولات آوایی فارسی گفتاری در مقایسه با فارسی رسمی» پیوست کتاب حاضر شده است.

جدانویسی و پیوسته‌نویسی

نگارنده در رسم الخط، جدانویسی را اصل قرار می‌دهد و واژه‌های مرکب را به تکواژهای تشکیل‌دهنده‌شان تجزیه می‌کند و اعتقادی به این ندارد که جدانویسی یا پیوسته‌نویسی بتواند تمایز معنایی ایجاد کند (مثلاً تمایز «آن‌که» و «آنکه»، یا «بی‌جا» و «بیجا»). به این ترتیب بسیاری از مشکلات رسم الخطی برطرف می‌شود و هرکس تکلیف خود را

می‌داند. بنابراین مثلاً نگهبان، سپاس‌گزاری، پیش‌نهاد، پیش‌گفتار، کم‌بود، یک‌سان، بی‌جا، بی‌چاره، می‌آد، می‌شه، و می‌گه را به همین صورت باید نوشت.

نشانه* (ستاره) در متن فرهنگ برای واژه‌های کهن یا نامتداول در فارسیِ امروز به کار رفته است و در پیوستِ فرهنگ، نشان‌دهندهٔ املايِ فرضيِ واژه‌هاست.

امیدوارم این فرهنگِ کوچک در حدِّ بضاعتِ خود مفید واقع شود.

بهر روز صفرزاده

خرداد ۱۳۹۶

جدولِ آوانگاری

a	raftan رفتن	n	nâm نام
â	raftâr رفتار	o	goftan گفتن
b	budan بودن	ô	derô درو
c	cîdan چیدن	p	porsîdan پرسیدن
d	dâdan دادن	q	qorub غروب
e	resîdan رسیدن		qabul قبول
ey	peymudan پیمودن	r	raftan رفتن
f	fahmîdan فهمیدن	s	sâxtan ساختن
g	gereftan گرفتن	š	šodan شدن
h	halâl حلال	t	tavân توان
	harâs هراس		talab طلب
î	parîdan پریدن	u	budan بودن
iy	biyandâzam بیندازم	v	vazîdan وزیدن
	biyâvaram بیاورم	x	xarj خرج
	biyoftam بیفتم	y	yâftan یافتن
j	jostan جستن	z	zadan زدن
k	kamar کمر	z	pazmorde پژمرده
l	lâne لانه	'	pâ'în پایین
m	mardom مردم		bal'îdan بلعیدن
	jombîdan جنبیدن		

آ

آج، عاج âj amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آج: برجستگی‌های منظم سطح لاستیک.
عاج: دندان فیل.

آجل، عاجل âjel amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آجل: * آینده.

عاجل: فوری؛ سریع.

آذر، آزر âzar amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آذر: سزمین ماه پاییز.

آزر: عموي حضرت ابراهيم.

آر، عار âr amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آر: واحد مساحت، برابر صد متر مربع.
عار: ننگ.

آری، عاری ârî amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آری: بله.

عاری: خالی؛ فاقد.

آزمایشات âzmâyesât «آزمایشات» نادرست است و به جای آن باید گفت «آزمایش‌ها».

آسپیرین âspirîn [فرانسوی: aspirine] تلفظ و املاي اصلي اين واژه فرانسوی «آسپیرین» است، نه «آسپرین».

آسفالت âsfâlt [فرانسوی: asphalte] تلفظ و املاي اصلي اين واژه فرانسوی «آسفالت» است، نه «اسفالت».

آسیا، آسیاب âsiyâ, âsiyâb «آسیا» و «آسیاب» هردو درست است و می‌توان هریک را به جای دیگری به کار برد.

آشیان، آشیانه âšiyân, âšiyâne «آشیان» و «آشیانه» هردو درست است و می‌توان هریک را به جای دیگری به کار برد.

آفریقا âfrîqâ «آفریقا» و «آفریقا» هردو درست است، اما بهتر است «آفریقا» بگوییم و بنویسیم.

آکوردئون âkorde'on [فرانسوی: accordéon] تلفظ و املاي اصلي اين واژه فرانسوی «آکوردئون» است، نه «آکاردئون».

آلگوریتم âlgorîtm = الگوریتم.

آلی، عالی âlî amلاي اين دو واژه هم‌آوا را نبايد باهم اشتباه كرد:

آلی: مربوط به ترکیبات کربن (شیمی).

عالی: بسیار خوب؛ خیلی خوب.

آمپاس = âmpâs.

آمر، عامر âmer املاي اين دو واژه هم‌آوا را

نباید باهم اشتباه کرد:

آمر: امرکننده؛ دستوردهنده.

عامر*: آباد؛ آبادان.

آمریکا âmrîkâ [انگلیسی: America]

«آمریکا» و «امریکا» هر دو درست است، اما

بهتر است «آمریکا» بگوییم و بنویسیم.

آمل، عامل âmel املاي اين دو واژه هم‌آوا را

نباید باهم اشتباه کرد:

آمل*: آرزومند.

عامل: فاکتور؛ کارگزار.

آن‌جا ânjâ «آن‌جا» و «آنجا» هر دو درست است،

اما بهتر است «آن‌جا» بنویسیم.

آن‌چه ânce پس از این واژه نباید «که» به کار

برد.

درست: آن‌چه می‌دانستم گفتم.

نادرست: آن‌چه که می‌دانستم گفتم.

آنفاکتوس ânfâktus تلفظ و املاي نادرست

«آنفاکتوس».

آنفلانزا ânfolânzâ [انگلیسی: influenza]

این واژه از ایتالیایی وارد انگلیسی شده و در

فارسی هم تحت تأثیر شیوه تلفظ فرانسوی

به این صورت درآمده است. بهتر است به همین

صورت آنفلانزا نوشته شود که مطابق تلفظش

در فارسی است، نه آنفلوانزا یا آنفلوآنزا.

در فرانسوی به آن grippe می‌گویند.

آوازخوان، آوازه‌خوان âvâzxân, âvâzêxân

«آوازخوان» و «آوازه‌خوان» هر دو درست است،

اما بهتر است «آوازخوان» بگوییم.

آووکادو âvokâdo [انگلیسی: avocado] تلفظ و

املاي درست اين واژه انگلیسی «آووکادو»

است. برخی به غلط «آواکادو» می‌گویند و

می‌نویسند.

آینه، آینه âyne, â'îne «آینه» و «آینه» هر دو

درست است و در متون کهن فارسی

آمده است، منتها «آینه» رسمی‌تر از «آینه»

محسوب می‌شود.

- ابا، ابا** abâ, ebâ این دو واژه هم‌نگاشت را نباید باهم اشتباه کرد:
آبا: * آش؛ با؛ همراه.
إبا: سربازدن؛ خودداری؛ امتناع.
ابا، عبا abâ املاي این دو واژه هم‌آوا را نباید باهم اشتباه کرد:
آبا: * آش؛ با؛ همراه.
عبا: نوعی بالاپوش.
ابزار abzâr واژه فارسي «ابزار» مفرد است و جمع آن «ابزارها» است. برخی به غلط آن را جمع مکسومی پندارند.
درست: رنده یکی از ابزارهاي نجاری است.
نادرست: رنده یکی از ابزار نجاری است.
ابلق، ابلق ablaq املاي این دو واژه هم‌آوا را نباید باهم اشتباه کرد:
ابلق: بلیغ‌تر؛ رساتر.
ابلق: سیاه و سفید.
ابوالفضل abolfazl املاي درست این نام عربی «ابوالفضل» است، نه «ابولفضل».
ابوالقاسم abolqâsem املاي درست این نام عربی «ابوالقاسم» است، نه «ابولقاسم».
- ابی طالب** abîtaleb املاي درست این نام عربی «ابی طالب» است، نه «ابیطالب».
- ات** -ât این نشانه جمع عربی را نباید برای واژه‌های غیرعربی به کار برد و به جایش باید از نشانه جمع فارسي «-ها» استفاده کرد؛ مثلاً به جای آزمایشات، باغات، پیش‌نهاده‌ات، تراوشات، و گزارشات باید گفت آزمایش‌ها، باغ‌ها، پیش‌نهاده‌ها، تراوش‌ها، و گزارش‌ها.
- اتاق** otâq املاي درست این واژه ترکی «اتاق» است، نه «اطاق».
- اتباع، اتباع، اتباع** atbâ', etbâ', ettebâ' این سه واژه هم‌نگاشت را نباید باهم اشتباه کرد:
اتباع: جمع مکسر تبعه؛ تبعه‌ها؛ شهروندان.
إتباع: به دنبال آوردن؛ دنبال چیزی آوردن.
إتباع: پیروی؛ دنباله‌روی؛ امر لازم‌الاتباع.
اتریش otrîš [فرانسوی: Autriche] املاي درست نام این کشور اروپایی «اتریش» است، نه «اطریش».
- آتم، اتم** atamm, atom این دو واژه هم‌نگاشت را نباید باهم اشتباه کرد:
آتم: کامل‌تر یا کامل‌ترین؛ به وجه آتم.
آتم: کوچک‌ترین ذره هر عنصر.

اتومبیل otomobîl [فرانسوی: automobile]

املاي درست اين واژه فرانسوی «اتومبیل» است، نه «اتومبیل».

اثاث، اساس asâs املاي اين دو واژه هم آوا را نباید باهم اشتباه کرد:

اثاث: لوازم منزل؛ اثاثیه.

اساس: پایه؛ بنیاد؛ شالوده.

اثاث، اثاثیه asâs, asâsiye «اثاث» و «اثاثیه» هردو درست است، اما بهتر است «اثاث» بگوییم و بنویسیم.

اثنا عشر esnâ'asâr تلفظ و املاي اصلي اين واژه عربی «إثنا عشر» است، نه «أثنی عشر». شیعه إثناعشری یعنی شیعه دوازده امامی. بخش ابتدای روده باریک را به این دلیل «إثنا عشر» یا «دوازده» نامیده اند که طولش حدود دوازده بند انگشت است.

اثیر، اسیر، عسیر، عصر asîr املاي این چهار واژه هم آوا را نباید باهم اشتباه کرد: اثیر: ماده فیزی؛ کُرّه آتش. اسیر: گرفتار؛ در بند. عسیر*: دشوار.

عصیر*: عصاره؛ افشرد؛ شیره.

احجام ahjâm «أحجام»، جمع مکسر حَجَم، در عربی به کار می رود و در فارسی هم می توان آن را به کار برد.

اخبار، إخبار axbâr, exbâr این دو واژه هم نگاشت را نباید باهم اشتباه کرد:

أخبار: جمع مکسر خبر؛ خبرها.

إخبار: خبر دادن؛ آگاه ساختن؛ إخبار از غیب یکی از معجزات عیسا بود.

اداء اطفار adâ'aftâr [گفتاری] «اداءطفار»، که تغییر یافته «ادا و اطوار» است، به همین صورت

در فارسی گفتاری به کار می رود و اشکالی ندارد.

ادبیات adabiyât واژه «ادبیات»، به معنی مجموعه آثار ادبی، گرچه ساخت جمع دارد (ادبیّه + ات)، از لحاظ مفهومی در حکم مفرد است و جمع بستن آن به «ادبیات‌ها» درست است: ادبیات فارسی یکی از شاخص ترین ادبیات‌های جهان به شمار می رود.

ارابه arrâbe «آرابه»، به معنی گردونه (نوعی وسیله نقلیه قدیمی)، تغییر یافته واژه عربی «عَرَبَة» است. در فارسی بهتر است با همین املاي «آرابه» نوشته شود، نه «عَرابه».

اراذل arâzel «اراذل»، به معنی افراد پست، در عربی جمع مکسر «أرذل» به معنی پست تر یا پست ترین است، اما در فارسی جمع بی مفرد محسوب می شود و معمولاً در ترکیب عطفی «اراذل و اوباش» به کار می رود.

درست: یکی از اراذل و اوباش کشته شد. نادرست: یک اراذل و اوباش کشته شد.

ارائه erâ'e املاي این واژه عربی بهتر است مطابق تلفظ طبیعی اش «ارائه» (با «ه») باشد، نه «ارایه».

درست: ارائه اسناد و مدارک.

نادرست: ارایه اسناد و مدارک.

ارتکاب ertekâb کاربرد این واژه با حرف اضافه «به» نادرست است.

درست: انگیزه ارتکاب قتل.

نادرست: انگیزه ارتکاب به قتل.

ارتودونسی ortodonsî [فرانسوی:

orthodontie] بهتر است این واژه فرانسوی را به همین صورت «ارتودونسی» بنویسیم، نه «ارتودنسی».

ارجینال orjînâl تلفظ و املاي نادرست

«اریجینال».

اُرگ، ارگ arg, org این دو واژه هم‌نگاشت را

نباید باهم اشتباه کرد:

اُرگ: قلعه کوچکی در وسط یک شهر یا در

وسط یک قلعه بزرگ.

اُرگ: یکی از سازهای موسیقی.

اورولوژی orolozi املای نادرست «اورولوژی».

اریجینال orijīnāl [انگلیسی: original] تلفظ و

املای اصلی این واژه انگلیسی «اریجینال»

است، نه «ارجینال».

اریکه، عریکه arike املای این دو واژه هم‌آوا

را نباید باهم اشتباه کرد:

اریکه: تخت پادشاهی؛ اورنگ.

عریکه*: سرشت؛ طبیعت؛ نهاد.

از آن جاکه... اصطلاح «از آن جاکه» برای بیان

علت چیزی و مترادف «چون» به کار می‌رود.

برخی به غلط «از آن جایی که» می‌گویند.

از ترس این‌که... فعلی که پس از این اصطلاح

می‌آید معمولاً مثبت است و می‌توان آن را

به مصدر تأویل کرد؛ مثلاً «از ترس این‌که

اشتباه کند» یعنی «از ترس اشتباه کردن».

درست: از ترس این‌که بیغتم آرام می‌روم.

نادرست: از ترس این‌که نیغتم آرام می‌روم.

از عهده... برآمدن شما از عهده کار برمی‌آید؛

کار از عهده شما بر نمی‌آید.

درست: او از عهده این کار بر می‌آید.

نادرست: این کار از عهده او بر می‌آید.

از کار بی‌کار شدن [گفتاری] ترکیب حشوآمیز

و نادرستی است و به جای آن باید گفت

بی‌کار شدن.

ازهر، اظهر azhar املای این دو واژه هم‌آوا را

نباید باهم اشتباه کرد:

ازهر*: درخشان؛ روشن.

ارز، ارض، عرض arz املای این سه واژه

هم‌آوا را نباید باهم اشتباه کرد:

ارز: پول خارجی، مثلاً دلار.

ارض: زمین؛ سرزمین.

عرض: پهنا.

ارزیدن arzīdan < بیززد biyarzad؛

نیززد nayarzad

اُرس، اُرس، اُرس aras, ors, oros املای این سه

واژه هم‌نگاشت را نباید باهم اشتباه کرد:

اُرس: رودی که به دریای خزر می‌ریزد.

اُرس: درخت سرو کوهی.

اُرس*: روسیه؛ روس.

ارس، عرس ors املای این دو واژه هم‌آوا را

نباید باهم اشتباه کرد:

ارس: درخت سرو کوهی.

عرس*: عروسی.

ارش، عرش arš املای این دو واژه هم‌آوا را

نباید باهم اشتباه کرد:

ارش*: غرامت؛ دیه.

عرش: آسمان.

ارض، ارز، عرض arz املای این سه واژه

هم‌آوا را نباید باهم اشتباه کرد:

ارض: زمین؛ سرزمین.

ارز: پول خارجی، مثلاً دلار.

عرض: پهنا.

ارعب er'āb «ارعب»، به معنی ترساندن، در

عربی به کار می‌رود و در فارسی هم می‌توان

آن را به کار برد.

ارقه، ارغه arqe [گفتاری] «ارقه» و «ارغه»

به معنی زرنگ و حقه باز، هر دو درست

است، اما بهتر است «ارقه» بنویسیم.